

## تحلیلی بر نقش حسینیتهی اعظم در شکل‌گیری ساختار ثانویه شهر زنجان در عصر قاجار و علل پایایی آن

احد نژاد ابراهیمی<sup>۱</sup> \* (نویسنده مسئول)، محمد جواد حیدری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۵)

### چکیده

در عصر قاجار، حکومت هم‌سویی مذهبی بیشتری با مردم پیدا کرد. به‌طوری‌که، علاوه بر مردم، دستگاه حکومتی نیز نسبت به ساخت مکان‌های مذهبی اقدام می‌نمود؛ که از جمله‌ی چنین مکان‌هایی می‌توان به احداث تکایای دولت در تهران و ناصریه در زنجان اشاره کرد. این عامل نه تنها موجب نفوذ بیشتر مذهب تشیع و علنی‌شدن اجرای شعائر مذهبی آن گردید، بلکه، علاوه بر تحت‌تأثیر قراردادن سازمان کالبدی شهر، به شکل‌گیری ساختار دیگری نیز انجامید. ساختاری که برخلاف ساختار اصلی شهر، با عناصر فیزیکی و کالبدی تعریف نمی‌شد. بلکه ساختاری نمادین و معنایی بود که در نتیجه‌ی کنش اجتماعی پدید آمده بود. ساختاری که حاصل تصویر ذهنی شهروندان از فضاهای شهری معنادار و هویت‌مندی بود که بر ساخت اجتماعی (رفتار مذهبی شهروندان) نقش اصلی را در شکل‌گیری آن برعهده داشته و برخلاف ساختار اصلی شهر کمتر دچار تغییر و تحول شده است. هدف پژوهش حاضر تبیین نقش و تأثیر حسینیتهی اعظم در شکل‌گیری ساختار ثانویه شهر زنجان در عصر قاجار می‌باشد. روش تحقیق این پژوهش تاریخی، توصیفی و تحلیلی بوده و از روش مطالعه‌ی اسنادی و میدانی در جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که احداث یا توسعه‌ی حسینیتهی اعظم و شکل‌گیری دسته‌ی عزاداری آن در عصر قاجار، نقش مهمی در خلق ساختار ثانویه شهر زنجان داشته است. ساختاری که تا عصر حاضر تداوم یافته است.

واژگان کلیدی: ساختار ثانویه، حسینیتهی اعظم، شهر زنجان، عصر قاجار.

\* E-Mail: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

## مقدمه

به شهر اضافه می‌گردد و می‌تواند در قالب نمادهای شهری و دسترسی‌های متفاوت با ساختار اصلی خودنمایی کند. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تاریخی می‌باشد. از این روش پژوهش آن نیز بسان تحقیقات تاریخی، توصیفی و تحلیلی می‌باشد. هدف این پژوهش نیز تبیین نقش حسینیّه‌ی اعظم در شکل‌گیری ساختار ثانویه‌ی شهر زنجان در عصر قاجار می‌باشد که با تثبیت مذهب تشیع در عصر قاجار و علنی‌گردیدن اجرای شعائر مذهبی آن به وجود آمده است. بر این اساس، سؤالاتی که تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به آنها می‌باشد؛ عبارتند از:

- ۱- برپایی مراسم آیینی عزاداری در حسینیّه‌ی اعظم زنجان چه نقشی در شکل‌گیری ساختار ثانویه‌ی شهر در عصر قاجار داشته است؟
- ۲- چه عواملی در پایداری و پویایی ساختار ثانویه‌ی شهر زنجان نقش دارند؟

## پیشینه‌ی تحقیق

ساختار ثانویه‌ی شهرها محصول پیوند و تعامل آیین‌های جمعی و مذهبی (به‌عنوان کنش اجتماعی) با شهر و فضاهای شهری می‌باشد. مطالعه‌ی اسنادی صورت گرفته در پژوهش‌های پیشین، حاکی از آن است که تحقیقات چندی در این زمینه به انجام رسیده است که از جمله‌ی آنها می‌توان به تحقیقات آراتی کومار کانکار<sup>۱</sup> (مکان جشن: آیین‌های جمعی و فرم شهری)، شوکانیا کریشنامورتی<sup>۲</sup> (نقش مراسم‌های آیینی در شکل‌دهی به فرم شهر)، زهرا اهری (ساختار ثانویه‌ی شهرهای ایرانی در دوره قاجار)، علی‌الحسابی و پای‌کن (چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی)، بهرام امین‌زاده (اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی) اشاره کرد.

عصر قاجار، عصر نفوذ و توسعه‌ی بیشتر مذهب تشیع در ایران بود (رضوی‌پور و ذاکری، ۱۳۹۲: ۶۴) و حکومت قاجار نیز با علم به ارادت قلبی مردم به ائمه و جایگاه علمای شیعه در بین مردم، سعی در همراهی و همکاری آشکار با آنها در اجرای رسوم و آیین‌های مذهبی می‌نمود تا بدین نحو، هم‌سوئی مذهبی خود را با مردم ابراز نماید (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷). به طوری که علاوه بر مردم، دستگاه حکومتی نیز به برپایی مجالس عزاداری اقدام می‌کرد و متولّی ساخت تکایا و حسینیّه‌هایی برای این منظور می‌گردید. همچنین، دوره‌ی قاجار، دوره‌ی تحوّل در اجرای آیین‌های مذهبی - که عمدتاً شامل آیین‌های عاشورایی می‌شد (بینشی‌فر، ۱۳۹۴: ۴۷) - نیز بود. زیرا علاوه بر تحوّل در شکل و محتوای عزاداری‌ها، اجرای آنها به بطن تکایا و حسینیّه‌ها محدود نماند، بلکه به متن فضاهای شهری نیز راه یافت و با هویت‌بخشی به فضاهای شهری، به شکل‌گیری ساختاری از شهر منجر شد که جنبه‌ای نمادین و معنایی داشت. این نوع از ساختار که می‌توان آن با عنوان «ساختار ثانویه» شهر یاد کرد، برساختی اجتماعی بود که در اثر تصویر ذهنی مردم پدید آمده بود و موجب تفویض نقش اجتماعی به ساختار اصلی شهر شده و بدان هویت می‌بخشید. تحقیقات انجام‌شده در شهرهایی چون آران و بیدگل (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳)، دزفول (Masoud-، 2013، iNejad)، سبزوار (Kheirabadi، 2000)، سمنان (امین‌زاده، ۱۳۸۶)، اردبیل (محمدپور و شاهی‌زاده، ۱۳۹۰) و گرگان (لیوانی، ۱۳۹۱) از وجود چنین ساختاری حکایت دارد. این ساختار شامل نمادها و ارتباطات شهری جدیدی می‌شود که در سایه رفتارهای اجتماعی جدیدی که بر اثر مذهب یا هنجارهای متفاوت با قبل

جدول شماره ۱: مطالعات انجام‌شده در زمینه‌ی موضوع مورد مطالعه

محقق	عنوان تحقیق	نتیجه
آراتی کومار کانکار (۱۹۹۲)	مکان جشن: آیین‌های جمعی و فرم شهری	- مطالعه بر روی ارتباط آیین‌های جمعی و فرم شهرها. - شهرهای مورد مطالعه: دهلی، بختانپور و شهری در جنوب هند. - هماهنگی تغییرات فرم شهرها با تغییرات آیین‌های جمعی
شوکانیا کریشنامورتی (۲۰۱۵)	نقش مراسم‌های آیینی در شکل‌دهی به فرم شهر	- مراسم‌های آیینی سالانه‌ی کاراگا (در بنگلور) نقش مهمی در شکل‌دهی به فرم و ساختار شهر داشته است. - اجرای سالانه آیین جمعی کاراگا، نقش مهمی در حافظه‌ی جمعی و دلبستگی مکانی شهروندان داشته است. - تصوّرات ذهنی آنها از مکان‌های شهری با محل انجام این مراسم ارتباط تنگاتنگی دارد.
بهرام امین‌زاده (۱۳۸۶)	بازشناسی اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی	- نمادها و آیین‌های جمعی نظم و قواعد خاصی را بر پیکره‌بندی شهرهای سنتی اعمال می‌کنند. - شهر در برگزاری این آیین‌ها از حالت معمول خود خارج شده و به صحنه‌ی نمایش عظیم و گسترده‌ای تبدیل می‌شود. - اجرای مراسم آیینی سبب شده است تا موقعیت استقرار تکایا نسبت به بافت همجوار و فواصل آنها از نظم نسبتاً مشخصی برخوردار گردد.
مهران علی‌الحسابی و عصمت پای‌کن (۱۳۹۲)	تدوین چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی و بررسی مصداق آن در آیین‌های عاشورایی	- آیین‌های جمعی به عنوان کنشی اجتماعی، نمادین و تکرارپذیر، از طریق چهار معیار آزادی، تداوم، ارتباط و انطباق بر سه مولفه‌ی اصلی شهر کالبد، معنا و فعالیت تأثیر می‌گذارد.
زهرا اهری (۱۳۹۴)	شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجار	- پیدایش ساختار ثانویه، یکی از مشخصات شهرهای ایرانی در عصر قاجار می‌باشد. - رفتار مذهبی ساکنان، نوع استفاده از فضا و نقش آن در زندگی اجتماعی؛ عوامل اصلی خلق ساختار ثانویه شهرها بود. - علی‌رغم تمام تحولات عصر حاضر، ساختار ثانویه شهرها هنوز هم برای مردم قابل شناسایی می‌باشد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تاریخی به شمار می‌رود. از این رو بسان چنین تحقیقاتی از روش‌های توصیفی و تحلیلی در تبیین و واکاوی موضوع استفاده شده است. تاریخی بودن موضوع پژوهش از یک سو و ابتناء آن بر مطالعه‌ی موردی از سوی دیگر، ایجاب می‌نمود که از روش ترکیبی مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی در تدوین منابع و اطلاعات مورد نیاز استفاده شود. بر این اساس، بخشی از اطلاعات به روش اسنادی و مطالعه‌ی منابع تاریخی همچون سفرنامه‌های مستشرقین، سفرا و گردشگران غربی و همچنین سیاحان و سیاستمداران ایرانی بدست آمد. قلمت منابع تاریخی و همچنین نزدیکی دوره‌ی زمانی مورد مطالعه با عصر حاضر موجب شد که بخش دیگری از اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی و از طریق مشاهدات محلی و مصاحبه با افراد کهنسال و پیرغلامان حسینی به دست آید.

## مبانی نظری: ساختار شهر

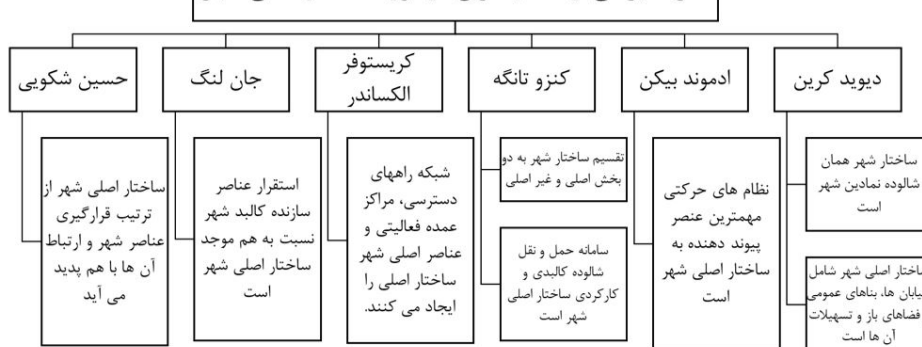
شهرسازان و صاحب‌نظران مطالعات شهری نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی ساختار شهر و تعریف آن دارند. گروهی چون کریین<sup>۳</sup> (۱۹۶۰)، بیکن<sup>۴</sup> (۱۹۶۷)، تانگه<sup>۵</sup> (۱۹۷۰) و لنگ<sup>۶</sup> (۱۹۹۵) معتقدند ساختار شهر شالوده‌ای نمادین و کلیتی انتظام یافته از اجزاء و عناصر فضایی (معاشر، ابنیه، فضاهای باز) است که ترکیب آنها شکل کلی شهر را پدید می‌آورد. این گروه معتقدند ساختار شهر، به بخش نسبتاً پایدار شهر اطلاق می‌شود که معرف نقشه‌ی کلی شهر بوده و از عناصر و اجزایی چون محورهای مهم ارتباطی و عملکردی، میداين و فضاهای باز و عمومی، نظام توزیع کاربری‌ها و فعالیت‌های عمده، آرایش فضایی عناصر و چگونگی ارتباط آنها تشکیل می‌شود.

در مقابل برخی دیگر همچون الکساندر<sup>۷</sup> (۱۹۸۷)، اریکسون<sup>۸</sup> (۲۰۰۲)، اپلیارد<sup>۹</sup> (۱۹۷۰)، راپاپورت<sup>۱۰</sup> (۱۹۷۷) و هال<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۷)، در تعریف و تشخیص ساختار شهر، علاوه بر کیفیت‌های کالبدی محیط، به جنبه‌ی معنایی آن نیز توجه می‌نمایند. ایشان معتقدند، هر چند خیابان‌ها اصلی‌ترین عنصر موجد ساختار شهرها به حساب می‌آیند، ولی بی‌توجهی به ویژگی‌های فرهنگی ساکنین

و کنش‌های اجتماعی آنها به خلق محیط‌هایی بی‌روح و بی‌معنا منجر می‌شود. ایشان معتقدند در بررسی ساختار شهر، یک‌بار باید ساختار اصلی شناسایی شود که متشکل از عناصر و فضاهای شهری نمادین با خصوصیات بارز کالبدی است که شالوده‌ی نمادین شهر را به وجود می‌آورد و بار دیگر، عناصر و فضاهای دیگری را جستجو کرد که برای مردم معنادار هستند و نقش مهمی در شکل‌گیری تصویر ذهنی آنها از شهر دارند. اگرچه شاید دارای هویت مشخص و بارز کالبدی نباشند، ولی این معناداری را به واسطه‌ی نقشی که در جامعه دارند و موقعیت‌شان به عنوان قرارگاه رفتاری در حیات شهری کسب کرده‌اند (اهری، ۱۳۹۴: ۲۵). این دسته از فضاهای معنادار را که تحت عنوان «ساختار ثانویه» شناخته می‌شوند، حاصل تصویر ذهنی شهروندان از فضاهای شهری معنادار و هویت‌مندی می‌باشد که بر ساخت اجتماعی نقش اصلی را در شکل‌گیری آن ایفاء می‌کند و به نسبت ساختار اصلی شهر، از ماندگاری بیشتری برخوردار است.

آلدو روسی<sup>۱۲</sup> یکی از اندیشمندانی است که به بررسی علل پایایی ساختار ثانویه پرداخته و عواملی چون تداوم زمانی، تداوم کالبدی، خاطره‌ی جمعی، تعامل اجتماعی و جمعی بودن را در ماندگاری چنین ساختارهایی دخیل می‌داند (Rossi, 1982: 127-131). او با بهره‌گیری از مفهوم «خاطره‌ی جمعی» موريس هالبواکس، به تأثیر آیین‌های جمعی در ایجاد تصویر ذهنی از شهر اشاره می‌کند. روسی (۱۹۸۲) معتقد است، تصویر ذهنی مردم از شهر، حاصل معناداری فضاهای شهری است که در اثر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آنها بوجود می‌آید (Rossi, 1982: 128). از آنجا که پیشامدها و رویدادهای انسانی در لایه‌های مختلف شهر ثبت است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹)، لذا دارای هویت هستند. هویتی که عینی نبوده و قابل مشاهده نمی‌باشد، بلکه در اثر انتساب رویدادها به مکان‌ها و عناصر شهری پدید می‌آیند. گاه چنین انتساب‌هایی، موجب دوگانگی در نام‌گذاری فضاهای شهری می‌شود که خود مؤید هویت‌مندی این گونه فضاهای می‌باشد. نام‌هایی که در مقابل عناوین رسمی و ثبت‌شده در نقشه‌ها و تابلوهای شهری، برگرفته از رویدادی خاص بوده و به محل وقوع آن نسبت داده می‌شود و اگرچه ممکن است به دلیل

### نظرات برخی از صاحب‌نظران در مورد ساختار اصلی شهر



تصویر شماره ۱: نظرات برخی از صاحب‌نظران در مورد عوامل سازنده‌ی ساختار اصلی؛ مأخذ: نگارندگان

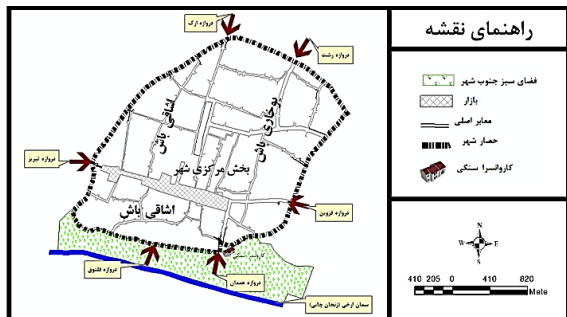


تصویر شماره ۲. ویژگی‌ها و رابطه ساختار اصلی و ثانویه شهر؛ مأخذ: نگارندگان.



تصویر شماره ۳. میدانی در ورودی یکی از دروازه‌های شهر زنجان؛ مأخذ: دوهوسه، ۱۸۵۸: ۱۰۰

تغییر و تحولات شهر در ادوار مختلف حکومتی بوجود آمده و دارالسعادة<sup>۱۵</sup> زنجان در عصر آقامحمدخان، با توسعه نسبی در حدقلعه، مجموعه‌ی بازار را به عنوان قلب اقتصادی شهر بوجود آورد. در این دوره شهر به سه بخش یا محله‌ی بزرگ تقسیم می‌شد؛ نخست منطقه‌ی مرکزی شهر بود که با جای دادن به مراکز حکومتی، اداری و مذهبی موجودیت می‌یافت، دوم اراضی و محدثات واقع در شرق محدوده‌ی مرکزی در مجموعه‌ی بازار که تحت عنوان "یوخاری‌باش" مشخص می‌شد که محل سکونت اقشار مرفه شهر بود و سوم اراضی و محدثات واقع در غرب محدوده‌ی مرکزی که به نام "اشاکی‌باش" معروف بود و محل سکونت اقشار ضعیف‌الحال شهر بود (ثبوتی، ۱۳۷۷: ۱۰۴).



تصویر شماره ۴: تقسیمات قطاعی شهر در اوایل دوره قاجار؛ مأخذ: نگارندگان

در دوره‌ی فتحعلی‌شاه وقوع جنگ‌های ایران و روس و نقش تدارکاتی و پشت جبهه‌ای شهر، موجب افزایش مسافرت سران حکومت به زنجان شد. با رشد کالبدی شهر در این دوره، باروی

تحولات و جراحی‌های صورت گرفته در سال‌های ابتدایی سده‌ی اخیر تخریب شده و دارای هویت مشخص فیزیکی و کالبدی نباشند، ولی به دلیل تداوم زمانی نقش‌ها و فعالیت‌های صورت گرفته در آنها، پایا بوده و همچنان معنادار می‌باشند. مانند «قویی باشی» (در خیابان جاوید)، قالا ایشیگی، تبریز دروازه‌سی (میدان ۱۵ خرداد)، تهران دروازه‌سی (تقاطع صدر جهان)، و رکچی لر میدانی (ورودی بازار)، خرابه رجی (غریبه بالا) در شهر زنجان. بر این اساس، در مطالعه‌ی ساختار شهرهای کشور، علاوه بر ساختار کالبدی و جنبه‌ی فیزیکی فضاهای شهری، بُعد معنایی و هویتی آنها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. زیرا گاهی، جنبه‌ی معنایی شهر، با ساختار کالبدی آن انطباق ندارد، بلکه تصویر ذهنی مردم از شهر، منبعث از مکان‌ها و فضاهایی می‌باشد که محل وقوع رویدادهای جمعی بوده و خاطره‌ی مشترک آنها را یادآوری می‌کند.

### ساختار شهر زنجان در عصر قاجار

ساختار کلی شهر زنجان در عصر قاجار، تداوم زمانی الگوی کالبدی حاکم بر شهر در عصر صفوی بود. ساختاری که از طریق معابر اصلی منتهی به دروازه‌ها و عناصر پیرامون آنها تعریف می‌شد. علاوه بر این، علنی شدن اجرای شعائر مذهبی در عصر قاجار که موجب شکل‌گیری رفتارهایی چون تحرکات فضایی هیئات و دسته‌جات عزاداری در سطح شهر و مابین مکان‌های مذهبی گردید، موجب شکل‌گیری ساختار دیگری از شهر شد که در قیاس با ساختار اصلی شهر، ساختار ثانویه نامیده می‌شود. لذا در این بخش از پژوهش به تبیین و مقایسه‌ی این دو ساختار در شهر زنجان اقدام می‌شود.

### ساختار اصلی شهر در عصر قاجار

اسناد و مدارک باقی‌مانده از سیاحان ایرانی و مستشرقین غربی<sup>۱۳</sup> نشان می‌دهد که زنجان یا ولایت خمه<sup>۱۴</sup> در عصر قاجار، شهری محصور در حصار گلین بوده که به وسیله‌ی ۶ دروازه به نام‌های رشت، ارک، تبریز، قلتوق، همدان و قزوین با شهرهای روستاهای اطراف در ارتباط بوده است.

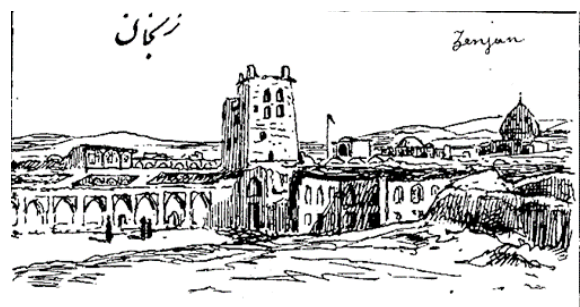
ساختار شهری ولایت خراسان در عهد قاجار هم‌چون دیگر شهرهای کشور متشکل از اجزاء و عناصری بود که از دوره صفویه باقی مانده بود. بدین معنا که ساختار اصلی دارالسعاده زنجان، متشکل از محورهایی بود که از دروازه‌ها به مرکز شهر کشیده شده بود و بازار سنتی شهر بر یکی از اصلی‌ترین و پرترددترین محور ارتباطی (محور شرقی-غربی) قرار گرفته بود و مکان‌گزینی دیگر عناصر نیز با تبعیت از استقرار بازار و تحت تأثیر اهداف مذهبی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تعیین شده بود.



تصویر شماره ۶: بازار زنجان در سفرنامه‌ی سولتیکف؛  
مأخذ: سولتیکف، ۱۳۶۵: ۵۹

احداث بنای اصلی بازار در سال ۱۲۰۵ق (دوره‌ی آقامحمدخان قاجار) آغاز شد و در سال ۱۲۱۳ق (دوره‌ی فتحعلی‌شاه) به پایان رسید و به مرور زمان کاروانسراها، گرمابه‌ها، مسجدها و راسته‌ها در اطراف آن شکل گرفت. از مجموعه‌ی رویدادها و حوادثی که در این دوره در شهر زنجان به وقوع پیوسته‌اند، استنباط می‌شود که فضای بازار علاوه بر نقش‌های اقتصادی (محل دادوستد) و ارتباطی (شاهراه اصلی شهر)، دارای نقش پررنگ اجتماعی و سیاسی نیز بوده است. زیرا همجواری بازار (به‌عنوان عنصر اقتصادی) با عناصر مذهبی (مسجد جامع) و سیاسی (دیوان‌خانه) موجب جریان فعالیت‌های مختلف اجتماعی و سیاسی به‌سوی آن می‌شده است. بازار دارای انشعابات به نام بازارچه بوده است که اصلی‌ترین و مهم‌ترین آن بازارچه (یا به‌دلیل اهمیت آن) راسته‌ی قیصریه نام داشته است که مفصل ارتباطی سه عنصر یادشده (مذهبی، سیاسی و اقتصادی) بوده است. از عناصر اقتصادی این دوره که در ارتباط با بازار شکل گرفته‌اند؛ می‌توان به کاروانسراها اشاره کرد که برخی از آن‌ها همچون کاروانسرای ده‌باب، دخان، حاج‌علیقلی، در درون حصار و برخی دیگر چون رباط شاه‌عباسی (کاروانسرای سنگی) در بیرون آن قرار داشته‌اند. بعد از بازار - که نقش شریان اصلی ارتباطی شهر را برعهده داشته است - راه‌های درون محلات مسکونی قرار داشته است که نقش دسترسی به محلات مسکونی را برعهده داشته‌اند. انشعابات بعدی راهها نیز نقش ارتباط بین محله‌ای و گذری عابران و دسترسی به واحدهای مسکونی را برعهده داشتند. زنجان عصر قاجار دارای ۱۸ محله بود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به محلات بازار، حسینیّه، زینیه، نصرالله‌خان اشاره کرد. در این دوره، علاوه بر

جدیدی بر دور شهر کشیده شد تا محلات تازه‌ای چون مسگرها، مشهدی‌صفر، عباس‌قلی‌خان در شرق و شمال‌شرق، دروازه‌ارک و سرچشمه در شمال، نصراله‌خان و سیدلر در اشاقی‌باش و حسینیّه و سقالر در غرب و جنوب غرب را دربرگیرد. حد شهر در این دوره از طرف شمال به کوچه‌ها و محلات پیرامون خیابان امام، از طرف شرق به کاروانسرا سَنگی، از طرف غرب به توپ‌آجاجی و از طرف جنوب به خیابان فعلی خیام محدود می‌شد. ژ. ام. تانکوانی<sup>۱۶</sup> (۱۸۰۷م) در توصیف زنجان این دوره می‌نویسد: «زنجان مرکز خراسان می‌باشد... این شهر در حدود ۱۰ هزار نفر جمعیت دارد که تعدادی از آن‌ها ارمنی هستند» (متقی، ۱۳۸۲: ۶۹). زنجان عصر محمدشاه، «مرکز ایالت کوچکی است که ۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد» (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۲۹)، شهر کوچکی است که منظره‌ی ناپاکی دارد، ولی بازار بزرگ و پررونقی دارد (سولتیکف، ۱۳۶۵: ۵۹). بروز فتنه‌ی بابی‌ها به رهبری محمدعلی باب در عصر ناصرالدین و درگیری هشت ماهه‌ی وی با قشون دولتی موجب وارد آمدن آسیب‌های زیادی به شهر شد. به‌طوری که مستشرقینی که بعد از این واقعه شهر زنجان را دیده بودند، از آثار نبرد و ویرانی‌های برجای مانده از آن بسیار سخن رانده‌اند. ادوارد براون می‌نویسد: «با اینکه مدتی از جنگ زنجان می‌گذرد، مع‌هذا هنوز آثار آن بسیار مشهود است، زیرا نه فقط توپ‌های جنگی، بلکه خود بابی‌ها نیز برای اغفال قوای دولتی بعضی از خانه‌ها را آتش می‌زدند» (مشکینی، ۱۳۷۰: ۴۲). تنها انتصاب محمود علامیر دولو ملقب به احتشام‌السلطنه به حکومت زنجان بود که آهنگ آبادی را بار دیگر در شهر نواخت. «در این دوره به دستور احتشام‌السلطنه خیابانی از بازار تا دروازه قزوین (خیابان توحید) امتداد داده می‌شود که موجب سهولت در عبور و مرور می‌گردد. همچنین برای توسعه و گسترش شهر اقداماتی در جهت استفاده از الگوهای موجود در شهرهای بزرگ نظیر ایجاد پلیس با لباس متحدالشکل، ایجاد داروخانه و آوردن طبیب متخصص، ساختن قنات و آب‌انبار شهر انجام گرفت» (مشکینی، ۱۳۷۰: ۴۴). بارتولد و کرزن به رقم بیست‌هزار نفری جمعیت شهر در این دوره اشاره کرده‌اند (سلطانی، ۱۳۷۹: ۸۱). هر چند ورود دوباره‌ی نیروهای دولتی در پی مخالفت ملاقربانعلی زنجان با انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ ه.ق) موجب درگیری قوای طرفدار وی با نیروهای دولتی گردید، ولی تأثیر تخریبی چندانی در پی نداشت.



تصویر شماره ۵: نمایی از شهر زنجان در عصر حکومت ناصرالدین‌شاه؛  
مأخذ: دوهمسه، ۱۸۵۸م: ۱۰۲

## ساختار ثانویه شهر در عصر قاجار و نقش آیین‌های مذهبی در شکل‌گیری آن

شکل‌گیری ساختار ثانویه شهرها رابطه‌ی مستقیمی با هویت‌مندی فضاهای شهری دارد و برپایی آیین‌های مذهبی نیز نقش مهمی در هویت‌بخشی به فضاهای شهری ایفا می‌کند. اجرای آیین‌های مذهبی در شهر زنجان از سابقه‌ی کهنی برخوردار است. وجود مکان‌های مذهبی و تاریخی همچون حسینیه‌ی اعظم از یک سو و وجود اسناد و مدارکی چون یادداشت‌های مورخین و مستشرقینی چون آرمینیوس و امبری<sup>۱۷</sup> از سوی دیگر مؤید این ادعا می‌باشد. وامبری که در زمان ناصرالدین‌شاه شاهد برپایی مجالس عزاداری امام حسین (ع) در شهر زنجان بوده است، می‌نویسد: «شهروندان زنجان مدت‌ها پیش از آغاز ماه محرم، مراسم سوگواری را آغاز می‌کنند و همه برای عزاداری، روضه و حضور در مجالس مرثیه‌خوانی آماده می‌شوند... آن‌ها در طول این ماه از برپایی مراسم جشن و سرور امتناع می‌ورزند» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۰). از آن‌جا که اجرای آیین‌های مذهبی در عصر قاجار، در مکان‌های عمومی چون مساجد و حسینیه‌ها، معابر اصلی و میدان‌ها انجام می‌شد. بنابراین موجب خاطره‌انگیز شدن چنین مکان‌هایی و هویت‌مند شدن آن‌ها می‌گردید. از جمله تأثیرات ناشی از اجرای آیین‌های مذهبی که نقش مهمی در هویت‌بخشی به فضاهای شهر و در نتیجه خلق ساختار ثانویه‌ی آن داشته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**احداث مکان‌هایی برای برپایی مراسم عزاداری:** به دلیل نقشی که مذهب در حیات اجتماعی شهرهای عصر قاجار ایفا می‌کرد، مکان‌هایی خاص برای برگزاری آیین‌های مذهبی آن ایجاد می‌شد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷) که تکایا و حسینیه‌هایی چون تکیه‌ی ناصریه و مسجد حسینیه‌ی زنجان از آن جمله بوده است. در این دوره علاوه بر مردم، عمال حکومتی نیز به احداث چنین مکان‌هایی اقدام می‌کردند. مسجد حسینیه‌ی اعظم از جمله‌ی مهمترین مکان‌های مذهبی احداث‌شده به وسیله‌ی مردم در این دوره می‌باشد. اگرچه در برخی منابع، از وجود این مکان مقدس در دوره‌ی حکومت زندیه و حتی افسارینه سخن به میان آمده است. ولی اسناد و شواهد موجود (کتیبه‌ی<sup>۱۸</sup> باقیمانده از بنای قدیمی حسینیه و نیز علم<sup>۱۹</sup> مکشوفه از کف آن) حکایت از آن دارد که احداث آن در دوره‌ی قاجار صورت گرفته است.



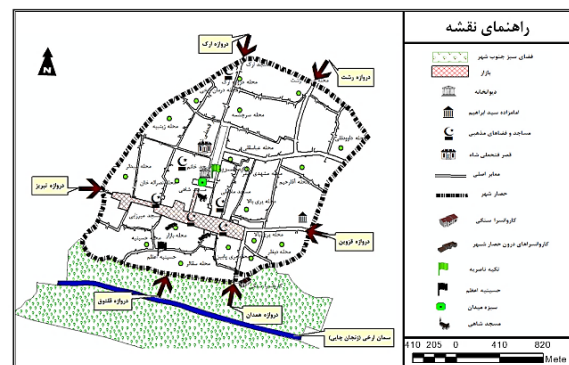
تصویر شماره ۹: کتیبه و علم فلزی مکشوفه از بنای قدیمی حسینیه؛ مأخذ: نگارندگان

مجموعه‌ی بازار، تک‌بناهایی چون مساجد شاهی (مسجد جامع)، خانم، عبدالله‌میرزا، قصر فتحعلی‌شاه، تکیه‌ی ناصریه در شهر و اغلب در ارتباط با بازار احداث گردیدند که گرچه تأثیر و پیوند مستقیمی با ساختار اصلی شهر نداشتند، ولی تأثیر زیادی در مورفولوژی شهر داشتند. همچنین در برخی از سفرنامه‌های این دوره مثل روزنامه‌ی سفر آذربایجان (عبدالعلی ادیب‌الممالک) و سفرنامه‌ی سون هدین، به نام برخی از میادین شهر اشاره شده است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به میادین سبزه‌میدان، ارک، مسچی‌لر (مسگرها)، توپ‌خانه اشاره کرد.

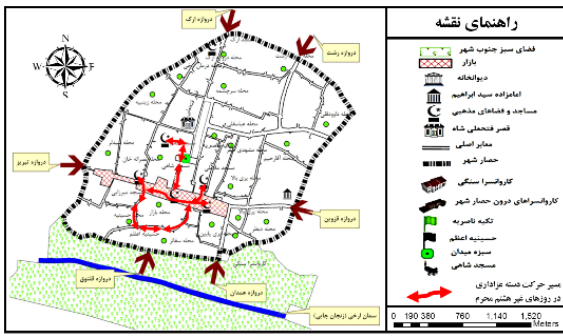


تصویر شماره ۷: مسجدشاهی (جامع) زنجان در عصر قاجار؛ مأخذ: دوهوسه، ۱۸۵۸م: ۱۰۲

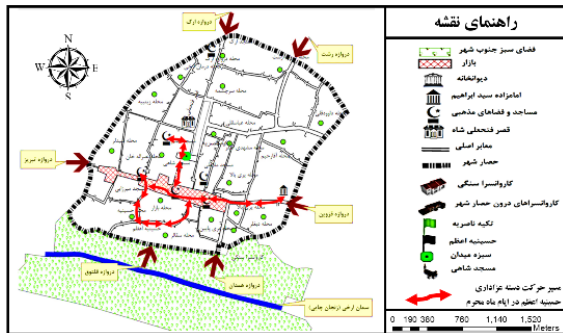
به‌طور کلی، زنجان عصر قاجار شهری متوسط اندام بوده که حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت داشته است و از لحاظ کالبدی نیز با رشدی تا حد دروازه رشت و دروازه ارک فعلی در طرف شمال، امام‌زاده سیدابراهیم در طرف شرق (دروازه تهران)، میدان ۱۵ خرداد در طرف غرب (دروازه تبریز) و کمربندی جنوبی خیام در طرف جنوب (دروازه‌های همدان و قتلوق)، به مساحت ۱۸۵ هکتاری رسیده است. ساختار اصلی شهر همان بود که در دوران صفویه پی‌افکنده شده بود و الگوی اصلی شبکه‌ی ارتباطی شهر، متشکل از محورهایی بود که از دروازه‌های شهر به مرکز آن امتداد یافته و آرایش فضایی خاصی را که از نوع کاربری‌های پیرامون تبعیت می‌کرد، برای عناصر اصلی و سازنده‌ی شهر به وجود آورده بود. حدود ۱۸ محله در درون باروی اصلی شهر وجود داشت که وجود محلاتی به نام‌های حسینیه و زینیبه - که وجه تسمیه‌ی آن‌ها از وجود فضاهای مذهبی بدین نام می‌باشد - از هویت مذهبی شهر حکایت داشت.



تصویر شماره ۸: بازآفرینی ساختار اصلی شهر زنجان در عصر قاجار؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۱: بازآفرینی مسیر حرکت دسته عزاداری حسینیّه اعظم در دهه‌ی ماه محرم (به‌غیر از روز هشتم)؛ مأخذ: نگارندگان



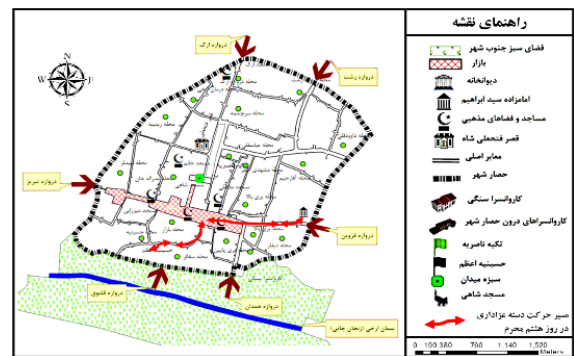
تصویر شماره ۱۲: بازآفرینی انطباق مسیرهای حرکت دسته‌ی عزاداری حسینیّه اعظم؛ مأخذ: نگارندگان

**شکل‌گیری میدان در مقابل ورودی اصلی مسجد حسینیّه:**  
وجود این میدان که در ارتباط کامل با بنای حسینیّه بوده، محلی برای اجرای تعزیه و نوع خاصی از عزاداری به نام "شاه‌حسین" بود.  
**منظر آرایشی بازار و معابر اصلی:** علاوه بر تکایا، حسینیّه‌ها و مکان‌های مذهبی که در ماه‌های محرم و صفر به نشانه‌ی عزادار بودن ساکنین سیاه‌پوش می‌شدند، منظر آرایشی بازار (به عنوان معبر اصلی شهر) و معابر دیگر، (به‌ویژه مسیرهای حرکت هیات‌های مذهبی) با پارچه‌ها و پرچم‌های سیاه را نیز می‌توان از نمود کالبدی رسوم مذهبی و آیینی در شهر دانست. وامبری در این باره می‌نویسد: «پرچم‌های سیاه، مکان‌هایی را مشخص می‌کند که در آن‌جا مراسم عزاداری برگزار می‌شود» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۰).  
**تأثیرات اجتماعی و معنایی:** برپایی آیین‌های عاشورایی حاصل خیزش خودجوش و حرکت جمعی افراد جامعه می‌باشد. «اجرای آیین‌های عاشورایی در دوره‌ی زمانی چند روزه فرصتی برای باهم‌بودن، حضور در عرصه‌ی فضای شهری و انجام فعالیتی جمعی فراهم می‌آورد که در آن همه به فعالیتی می‌پردازند که کسی آن‌ها را مجبور به چنین کاری نکرده است» (علی‌الحسابی و پای‌کن، ۱۳۹۲: ۳۴). بلکه، اکثر مردم به دلیل ارادت قلبی به امام حسین (ع)، فعالیت‌های روزانه‌ی خود را منطبق با زمان و مکان اجرای آیین‌ها و رسوم می‌نمایند. در واقع جمعی بودن و مشارکت عموم در برپایی رسوم مذهبی، ویژگی اجتماعی منحصر به فرد آن‌هاست که با تداوم زمانی به عصر حاضر رسیده است. وامبری در این رابطه می‌نویسد: «یاد این مصیبت توسط عزاداران بی‌شمار با نوحه‌سرای و شبیه‌سازی موسوم به تعزیه زنده نگاه داشته

همچنین در این دوره، تکبیه دیگری نیز به‌نام تکبیه ناصریه، توسط دستگاه حکومت محلی در دیوانخانه‌ی شهر بنا گردید. عبدالعلی ادیب‌الممالک درباره تکبیه مذکور می‌نویسد: «یک دیوان‌خانه‌ی بسیار بزرگی است که تالار آن دوازده ذراع است و به «تکبیه ناصریه» شهرت است که در ایام محرم به جهت سلامتی وجود مبارک اعلی حضرت شاهنشاهی (ناصرالدین شاه) تعزیت سیدالشهداء (ع) برپا کنند و اسباب رزیت مهیا» (متقی، ۱۳۸۲: ۱۸۵).

**تحرك فضایی دسته‌های عزاداری بین مکان‌های مذهبی:**  
جابجایی و تحرك فضایی هیأت‌های مذهبی بین مساجد، حسینیّه‌ها و تکایا - که امروزه و در ایام ماه محرم در شهر زنجان مشاهده می‌شود - سنتی ریشه‌دار و کهن می‌باشد. آرمینیوس وامبری - که در دوره‌ی قاجار و در ایام ماه محرم در شهر زنجان بوده است - در این رابطه می‌نویسد: «در طول راه، پرچم‌های سیاه بزرگ و بسیاری را بر بالای چوب‌های بلند مشاهده کردم... داخل جمعیتی شدم که جریان آن مرا با خود به داخل دارالحکومه (تکیه دولت) برد» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۱). بنا بر اظهارات پیرغلامان حسینی، تحرك فضایی دسته عزاداری حسینیّه اعظم از گذشته تا حال ثابت بوده و از دو الگوی متفاوت تبعیت می‌کرده است: الگوی ثابت: این الگو در روز هشتم محرم (یوم‌العباس) مورد عمل بوده و از آن جهت بدین نام، نام‌گذاری شده است که تواتر آن در طی سالیان متمادی، موجب مشخص شدن مبدأ (حسینیّه)، مقصد (امامزاده سیدابراهیم) و مسیر حرکت دسته‌ی عزاداری برای عزاداران می‌گردید.

الگوی متغیر: مسیر و مقصد حرکت دسته‌ی عزاداری حسینیّه اعظم در روزهای دیگر ماه محرم (به‌غیر از روز هشتم) الگوی ثابتی نداشت. زیرا هر روز، به یکی از مکان‌های مذهبی فعال در شهر می‌رفتند و با عزاداری در آن‌جا، به عزاداران آن مکان تسلیت می‌گفتند.



تصویر شماره ۱۰: نقشه‌ی بازآفرینی شده‌ی مسیر دسته‌ی عزاداری حسینیّه اعظم در روز هشتم محرم؛ مأخذ: نگارندگان

می‌شود» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۳). بدیهی است که در چنین حالتی، فعالیت‌های اصلی و معمول شهر، تحت‌الشعاع قرار گرفته و کاربری‌های تجاری مستقر در مسیر حرکت دسته‌های عزاداری دست از فعالیت کشیده و یا نظاره‌گر اجرای مراسم می‌شدند. جمله‌ی «زنان در سمت راست محوطه نشسته و مردان در سمت مقابل جمع شده بودند» (وامبری، ۱۳۷۲: ۷۱). مبین آن است که آیین‌های مذهبی در زنجان عصر قاجار در مکان‌های عمومی برگزار می‌شده است. پرواضح است که اجرای این گونه آیین‌ها در فضاهای عمومی با منظر آرای و ویژه‌ای که داشتند؛ به همراه اصوات موزون-ناشی از عزاداری و تعزیه‌خوانی-غنا‌ی حسّی را در فضای شهری افزایش می‌داده است و از این ره با هویت‌بخشی و معنادار ساختن فضای شهری نقش مهمی در دل‌بستگی و تعلق مکانی شهروندان ایفا می‌کرده است. مجموعه‌ی این تأثیرات و تأثیرات بسیار دیگر، موجب هویت‌مندی و معناداری فضاهایی می‌شد که محل برگزاری آیین‌های مذهبی بود و بدین ترتیب با خلق و تقویت حسّ و تعلق مکانی، موجب خاطره‌انگیزی فضاهای شهری در اذهان عموم می‌گردید. همچنین امروزه، تداوم زمانی ناشی از برپایی و اجرای آیین‌های مذهبی در این فضاها به پایایی و در نتیجه فضیلت یافتن آن‌ها بر دیگر مکان‌ها منجر شده است.

### بحث و تحلیل ساختار ثانویه شهر زنجان

روسی شهر را محصول کار جمعی انسان‌ها (گلکار، ۱۳۸۲: ۹) و صحنه‌ی رخداد فعالیت‌های انسانی و رویدادهای اجتماعی می‌داند (پاکزاد، ۱۳۸۶). به همین دلیل، فضاهایی که محل وقوع فعالیت‌ها و رخداد‌های انسانی باشند، برای انسان معنادار شده و با شکل بخشیدن به تصویر ذهنی نسبتاً پایدار از شهر، ماندگار می‌شوند (Rossi, 1982: 128). همان‌گونه که پیشتر نیز عنوان شد، روسی پنج عامل را در ماندگاری ساختار ثانویه شهرها موثر می‌داند که عبارتند از:

#### تداوم زمانی

تداوم زمانی به تکرار و تواتر یک رویداد یا فعالیت در بستر زمان اشاره دارد. به عبارت دیگر، تداوم زمانی، به دیرپایی و تکرار تاریخی یک اثر یا پدیده‌ی انسانی اشاره دارد. هرچند ممکن است در طول زمان دچار تغییراتی در اعراض گردد، ولی جوهر اثر یا پدیده ثابت می‌باشد. روسی در بخشی از کتاب معماری شهر<sup>۲</sup>، از «شهر به مثابه‌ی تاریخ<sup>۱</sup>» یاد کرده و معتقد است: شهر مصنوعی بشری است که در بستر زمان شکل گرفته و ردّ پای زمان را در خود دارد (Rossi, 1982: 128). براین اساس، می‌توان گفت، هرچند کمیّت و کیفیت عزاداری در حسینیه‌ی اعظم زنجان در طول زمان دچار تغییراتی در صورت و اعراض گردیده است، ولی جوهر آن ثابت و بدون تغییر مانده است. در واقع تنها شکل و نوع عزاداری تغییر کرده است و ذات و جوهر آن که سوگواری بر مصائب امام حسین (ع) می‌باشد، ثابت مانده و از عصر قاجار، تاکنون تکرار شده است.

### تداوم کالبدی

تداوم کالبدی، بیشتر بر جنبه‌ی فیزیکی اثر و مقاومت کالبدی آن در مقابل فرسایش ناشی از گذشت زمان دلالت دارد (علی‌الحسابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹). دربرگیرنده‌ی ثبات ساختاری و پویایی کارکردی است. بنابراین تداوم کالبدی، در رابطه‌ی مستقیم با زمان می‌باشد. به عبارت دیگر، تداوم کالبدی یک پدیده‌ی انسان‌ساخت در طول زمان، آن را به میراثی تاریخی تبدیل می‌کند. روسی تاریخ را به مثابه‌ی مطالعه‌ی ساختار کالبدی مصنوعات بشری می‌داند و معتقد است که این مطالعه «نه تنها باید شامل ساختار اصلی و اولیه‌ی اثر می‌باشد، بلکه باید شامل ایده‌ها و ارزش‌هایی باشد که هم‌نهشت آن‌ها به خلق اثر منجر شده است» (Rossi, 1982: 128). هرچند در منابع مختلف تاریخی، زمان واحدی برای احداث بنای اولیه‌ی حسینیه‌ی اعظم ذکر نگردیده است و متونی چون «تاریخ دارالعرفان خمسه» از وجود این بنای مقدّس در دوران حکومت افشاریه و زندیه سخن گفته‌اند، ولی، استناد به تواریخ حک شده بر روی کتیبه‌ی بازمانده بر روی بنای قدیمی مسجد و نیز علم فلزی مکشوفه از کف آن، حاکی از دیرپایی و تداوم کالبدی آن می‌باشد. زیرا پس از گذشت نزدیک به دو سده از زمان احداث، هنوز هم پایا و پویا می‌باشد.

### خاطره‌ی جمعی

موریس هالبواکس<sup>۲۲</sup> نخستین کسی بود که مفهوم «خاطره‌ی جمعی<sup>۲۳</sup>» را در کتاب «خاطره‌ی جمعی<sup>۲۴</sup>» به کار گرفت. از نظر وی، خاطره‌ی جمعی، خاطره‌ی همیشگی یک گروه و به یادآوری گزینشی و توافق‌شده میان اعضای آن گروه است و از این نظر چیزی شبیه اسطوره می‌باشد. آلدو روسی، نخستین کسی بود که مفهوم «خاطره‌ی جمعی» هالبواکس را وارد ادبیات معماری و شهرسازی کرد (حسینی کومله و علم‌باز، ۱۳۹۲: ۸۱) و در این باره می‌نویسد: «شهر، خاطره‌ی جمعی شهروندانش است و مانند خاطره در پیوند با اشیاء و مکان‌هاست. شهر تجلی‌گاه خاطره‌ی جمعی است. بنابراین، رابطه‌ی میان این تجلی‌گاه و شهروندی، تصوّر غالب شهر از معماری و چشم‌انداز را می‌سازد. هنگامی که مصنوعات مشخص به بخشی از خاطره تبدیل می‌شود، تصویر ذهنی جدیدی پدید می‌آید» (Rossi, 1982: 130). به عبارت دیگر، فضاهای شهری-که در پاسخ‌گویی به نیاز انسان‌ها برای برقراری روابط اجتماعی با هم‌نوعان ایجاد می‌شوند-به دلیل داشتن خصوصیات کالبدی نمادین و یا وقوع یک رویداد اجتماعی هویت‌بخش در آن موجب خاطرات فردی و جمعی می‌شوند. از این نظر، می‌توان گفت حسینیه‌ی اعظم، واجد هر دو خصوصیت فوق بوده است. زیرا به عنوان یک فضای مذهبی، هم عنصر شهری منحصر به فرد و نمادین در دل شهر بوده و هست و هم محل وقوع بزرگ‌ترین اجتماع (مذهبی)-شهر. بدین طریق با هویت‌بخشی به فضاهای شهری، آن‌ها را به مکانی خاطره‌انگیز و به یادماندنی تبدیل می‌کنند.



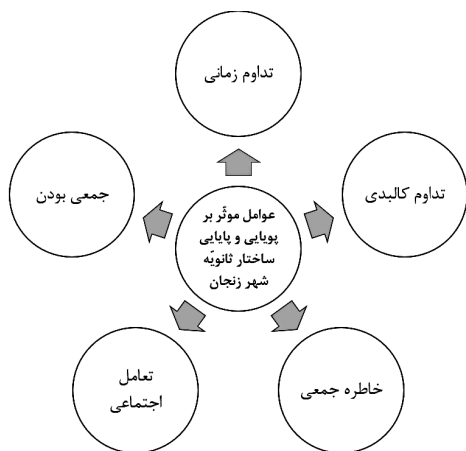
## تعامل اجتماعی

تعامل اجتماعی به برقراری رابطه بین دو یا چند نفر از افراد جامعه اشاره دارد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. از این رو، فضاهای عمومی و جمعی شهر به عنوان یک قرارگاه رفتاری، نقش مهمی در تأمین نیاز اجتماعی افراد، تعامل مردم با یکدیگر و توسعه روابط فردی و اجتماعی دارد (علی‌مردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹). در واقع، محیط و تعامل اجتماعی روابط اجتماعی دوسویه‌ای باهم دارند. زیرا از یک سو، محیط، محلی برای تعامل اجتماعی پدید می‌آورد و با ایفای این نقش، تبدیل به فضای شهری و جمعی می‌گردد و از سوی دیگر، حضور انسان‌ها در فضای شهری، موجب پویایی و پایداری آن می‌گردد. روسی معتقد است که کلیساها و مراکز دادوستد کالاها (بازار) اصلی‌ترین فضاهای عمومی شهرهای قدیم و محل اجتماع و تعامل شهروندان بودند (Rossi, 1982: 92). در سرزمین‌های اسلامی و به ویژه در مناطق شیعه‌نشین، علاوه بر اماکن مذهبی مثل مسجد جامع و بازار، فضاهایی چون حسینیه‌ها و تکایا نیز محل اجتماع مؤمنین می‌باشند. به عبارت دیگر، این گونه فضاهای، علاوه بر نقش مذهبی، کارکرد اجتماعی بسیار قویتری نیز دارند که افزایش تعامل اجتماعی مسلمانان یکی از آثار آن می‌باشد. بر این اساس، می‌توان گفت، یکی از علل پایداری ساختار ثانویه در شهر زنجان، پویایی کارکرد اجتماعی فضاهای مذهبی آن (هم‌چون حسینیه‌ی اعظم) بوده است. زیرا از دیرباز محل اجتماع انبوه عزاداران حسینی بوده است.

## جمعی بودن

آلدو روسی با اشاره به تحقیقات کارلو کاتانو<sup>۲۴</sup> در مورد شهرهای رومی، علل پویایی فضاهایی چون ترمها<sup>۲۵</sup> (گرمابه‌ها)، استادیوم‌ها، سالن‌های اجتماعات، کتاب‌خانه‌ها، مدارس و فضاهایی از این دست را اختصاص آن‌ها به فعالیت‌های جمعی و اهتمام ویژه حکام در آبادانی چنین فضاهایی دانسته است (Rossi, 1982: 128-129). اسلام دینی جمع‌گرا است و به شدت با رُهبانیت و انزواگزینی مخالف است. بر این اساس، مسلمانان معتقدند که خداوند یاری‌گر - فعالیت‌هایی است که توسط - جمع انجام بگیرد<sup>۲۶</sup>. از این روست که هرگاه خداوند در قرآن کریم، انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد، از صیغه‌ی جمع استفاده می‌نماید. زیرا جمع انسان‌ها مدنظر می‌باشد. هم‌چنین آیاتی نیز که ناظر بر تکلم انسان‌ها با خداوند می‌باشند، به شکل جمع و متکلم مع‌الغیر<sup>۲۷</sup> می‌باشند. علاوه بر این، در دین اسلام بر عمران و آباد ساختن بناها و فضاهای عمومی چون راه‌ها، گرمابه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، مساجد و حسینیه‌ها که محل مصرف جمعی دارند، تأکید شده است و به منظور تشویق مسلمانان به این امر، انجام چنین کارهایی در زمره‌ی "باقیات و صالحات" در نظر گرفته شده است. همین عامل موجب ترغیب ایشان به حفظ و بازسازی چنین مکان‌هایی و در نتیجه به پویایی و پایداری آن‌ها در طی زمان منجر شده است.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان گفت یکی از علل پایداری ساختار ثانویه‌ی شهر زنجان (به‌عنوان تصویری ذهنی) و حسینیه‌ی اعظم (به‌عنوان مکانی مذهبی) در ارتباط آن‌ها با مذهب و رفتار جمعی شهروندان می‌باشد.



تصویر شماره ۱۳: عوامل مؤثر در پویایی و پایداری ساختار ثانویه‌ی شهر زنجان بر مبنای نظریه‌ی روسی؛ مأخذ: نگارندگان

## نتیجه‌گیری

شهر زنجان یکی از شهرهای قدیمی فلات ایران است که از دیرباز نقش مذهبی پررنگی داشته و شکل‌گیری فضاهای شهری آن متأثر از فعالیت‌های جمعی و آیینی شهروندان بوده است و عصر قاجار از این نظر، به‌عنوان نقطه‌ی عطف تاریخی محسوب می‌شود. زیرا پرهیز حکومت قاجار از تقابل با اعتقادات مذهبی مردم، موجب افزایش نقش مذهب در حیات اجتماعی شهر گردید. به طوری که علاوه بر تکایا و حسینیه‌هایی (چون حسینیه اعظم) که توسط مردم احداث شده بودند، دستگاه حکومتی نیز به ساخت تکایای مذهبی (تکیه‌ی ناصریه) و برپایی آیین‌های مذهبی و عاشورایی مبادرت می‌کرد. از دیگر تحولات این دوره، خارج شدن دسته‌های عزاداری از مساجد و حسینیه‌ها و تحرک فضایی آن در معابر شهری بود. تحرک فضایی دسته‌ی عزاداری حسینیه‌ی اعظم در این دوره، دو الگوی ثابت و متغیر داشته است. در الگوی ثابت - که در روز هشتم محرم مورد عمل بود - مبدأ (حسینیه)، مقصد (امام‌زاده سیدابراهیم) و مسیر جابجایی از پیش برای عزاداران معلوم بود. ولی در الگوی متغیر - که در دیگر ایام ماه محرم (به‌غیر از روز هشتم) مورد عمل بود - دسته‌ی عزاداری هر روز به یکی از اماکن مذهبی مستقر در شهر سر می‌زدند و ضمن عزاداری در آن مکان‌ها، فرارسیدن ایام سوگواری امام حسین (ع) را به افراد حاضر در آن مکان مقدس تسلیم می‌گفتند.

از نتایج این گونه جابجایی‌های فضایی، شکل‌گیری ساختار ثانویه از شهر (زنجان) بوده است. ساختاری که برخلاف ساختار اصلی شهر، فیزیکی و کالبدی نبود، بلکه ساختاری نمادین و معنایی بود و تصویری بود ذهنی از فضاهای شهری، که در

اثر اجرای آیین‌های مذهبی و عاشورایی، خاطره‌انگیز شده بودند. یکی از وجوه اصلی افتراق ساختار ثانویه شهر (زنجان) نسبت به ساختار اصلی آن، پایایی و ماندگاری آن در طی زمان می‌باشد. به طوری که علی‌رغم تحولات کالبدی عارض شده بر شهر و ساختار اصلی آن در دهه‌های اخیر، ساختار ثانویه‌ی آن در عصر حاضر، تداوم کالبدی و زمانی ساختار ثانویه‌ی عصر قاجار می‌باشد.

## پی‌نوشت

1. Arati Kumar Kanekar
2. Sukanya Krishnamurthy
3. Crane
4. Bacon
5. Tange
6. Lang
7. Alexander
8. Erikson
9. Appleyard
10. Rappaport
11. Hall
12. Aldo Rossi

۱۳. از جمله‌ی چنین اسنادی می‌توان به سفرنامه‌های مستشرقینی چون کلاویخو، فلدت آفاناس پویچ کاتف، شاردن، موریس دو کوتربوئه، الکسیس سولتیکف، اوژن اوین و نیز روزنامه‌ی سفر آذربایجان نوشته‌ی عبدالعلی ادیب‌الممالک و سیاحتنامه‌ی میرزاعلی سررشته‌دار اشاره کرد.

۱۴. زنجان عصر قاجار را به دلیل آن که از پنج بلوک (خرارود، اهررود، سجاس رود، ایجرود، زنجان رود) و یا پنج طایفه‌ی عمده‌ی (افشار، مقدم، اوصانلو، بیات و خدابنده‌لو) تشکیل شده بود، «ولایت خمه» می‌گفتند.

۱۵. لقب شهر زنجان در دوره حکومت قاجار، دارالسعادة بوده است.

16. J. M, Tancoigne
17. Arminius Vambery

۱۸. بر روی این کتیبه، تاریخ ۱۲۶۱ هجری قمری قید شده است.

۱۹. بر روی این علم، تاریخ ۱۲۲۱ هجری قمری حک شده است.

20. The Architecture of the City
21. The City as History
22. Maurice Halbwachs
23. The Collective Memory
24. Carlo Cattaneo
25. Thermae

۲۶. يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ

۲۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

## فهرست منابع و مراجع

۱. امین‌زاده، بهرام (۱۳۸۶)، «بازشناسی اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی؛ مطالعه‌ی موردی: سمنان»، *نشریه‌ی هنرهای زیبا*، شماره‌ی ۳۲.
۲. اهری، زهرا (۱۳۹۴)، «شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره‌ی قاجاریه»، *نشریه‌ی هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره ۲۰، صص ۲۳-۳۴.
۳. بینشی‌فر، فاطمه (۱۳۹۴)، «سیر تحول روضه و روضه‌خوانی دوره قاجار»، *تاریخ‌نامه خوارزمی*، سال سوم، ۷۲-۴۷.
۴. پاکزاد، جهانبخش (۱۳۸۶)، *مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری*، تهران؛ انتشارات شهیدی.

۵. ثبوتی، هوشنگ (۱۳۷۷)، *تاریخ زنجان*؛ زنجان؛ انتشارات زنگان.
۶. حسینی کومله، مصطفی و ستوده‌علم‌باز (۱۳۹۲)، «نقش خاطره‌ی جمعی در باززنده‌سازی بافت‌های شهری: ارائه‌ی راهکار در خصوص ناحیه‌ی تاریخی لاهیجان»، *نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، دوره ۱۸، شماره ۴، صص ۹۲-۷۹.
۷. دوسرسی، کنت (۱۳۶۲)، *ایران در ۱۸۳۹ □ ۱۸۴۰ م (۱۲۵۶-۱۲۵۵ ق.ه)*، ترجمه‌ی دکتر احسان اشراقی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۸. دوهوسه، لوئی امیل (۱۸۵۸ م)، *سفری به ایران (مجموعه‌ای از نقاشی‌های لوئی امیل دوهوسه)*، به کوشش: منوچهر فرمانفرمایان، ۱۲۳۸ - ۱۲۳۶.
۹. راپاپورت، آموس (۱۳۶۶)، *منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی*، ترجمه‌ی راضیه رضازاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه علم و صنعت.
۱۰. رضایی‌قلعه، مریم و رمضان‌ی، مریم (۱۳۹۳)، «تأثیر آیین محرم بر کالبد شهر سنتی در دوره‌ی معاصر (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل)»، *پژوهش‌های منظر شهر*، شماره ۲.
۱۱. رضوی‌پور، مریم‌سادات و ذاکری، محمد‌مهدی (۱۳۹۲)، «بررسی مقایسه‌ای حسینه‌های دوره‌ی قاجار در مازندران و اصفهان»، *فصلنامه‌ی مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، شماره‌ی چهاردهم، ۷۳-۶۳.
۱۲. سلطانی، علی؛ زرگری‌مردی، ابراهیم؛ نامداریان، احمدعلی (۱۳۹۱)، «شکل‌گیری، تقویت و مانایی خاطره در فضاها‌ی شهری، نمونه موردی: محور شهید چمران شیراز»، *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۱، صص ۹۸-۷۸.
۱۳. سلطانی، رامین (۱۳۷۹)، *تاریخ زنجان*؛ زنجان، انتشارات نیکان کتاب.
۱۴. سولتیکف، الکسیس (۱۳۶۵)، *مسافرت به ایران*؛ ترجمه‌ی محسن صبا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. علیمردانی، مسعود؛ مهدوی‌نژاد، جمال‌الدین و افهمی، طلیعه (۱۳۹۴)، «رشد کیفی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی»، *دوفصلنامه‌ی هنرهای کاربردی*، شماره ۷، صص ۱۴-۵.
۱۶. علی‌الحسابی، مهران و پای‌کن، عصمت (۱۳۹۲)، «تدوین چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی و بررسی مصداق آن در آیین‌های عاشورایی»، *فصلنامه‌ی مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، شماره دوازدهم، صص ۴۴-۲۷.
۱۷. علی‌الحسابی، مهران؛ رضازاده، راضیه و چریگو، نصیبه (۱۳۹۶)، «ارایه‌ی مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه‌ی تفسیری تجربیات زیسته افراد)»، *فصلنامه باغ نظر*، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۲۶-۱۷.
۱۸. گلکار، کورش (۱۳۸۲)، *از تولد تا بلوغ طراحی شهری*، نشریه‌ی علمی-پژوهشی صفه، شماره ۳۶.
۱۹. گلکار، کورش (۱۳۷۸)، *کندوکاوی در تعریف طراحی شهری*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۲۰. متقی، حسین (۱۳۸۲)، *گلگشت؛ سیمای استان زنجان از منظر سیاحتان و سفرنامه‌نویسان*، قم: انتشارات کتابخانه عمومی آیت‌اله مرعشی نجفی.
۲۱. محمدپور، احمد و شاهی‌زاده، رامین (۱۳۹۰)، «مطالعه‌ی مردم‌شناختی مراسم عاشورا در شهر اردبیل»، *مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران*، دوره‌ی پنجم، شماره ۳، صص ۱۴۶-۱۲۶.
۲۲. مشکینی، ابوالفضل (۱۳۷۰)، *بررسی سیر تکوینی شهر و شهرنشینی در زنجان*؛ تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۲۳. وامبری، آرمینیوس (۱۳۷۲)، *زندگی و سفرهای وامبری؛ دنباله‌ی سیاحت درویشی دروغین*، ترجمه‌ی محمدحسین آریا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

۲۴. هال، ادوارد (۱۳۷۶)، **بعد پنهان**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۲۵. یوسفی، یوسف؛ آزاد، میترا؛ سلطانی محمدی، مهدی (۱۳۹۳)، «مطالعه‌ی چگونگی ارتباط مراسم آیینی عزاداری ایام محرم و شهر نابین»، **فصلنامه‌ی مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، سال هشتم، شماره‌ی ۲۹، صص ۳۷-۵۰.

26. Appleyard, Donald (1970), "Styles and Methods of Structuring a City", in *Environment and Behavior*, vol. 2 No.1, pp 100-117.
27. Alexander, Christopher (1987), *A new theory of urban design*, Vol. 6, Oxford University Press.
28. Bacon, Edmund. N (1967), *Design of City*, Thames and Hudson, London.
29. Crane, David A (1960), "The City Symbolic", *Journal of the American Institute of Planners (JOPA)*, Volume 26, Issue4, pp280-292.
30. Kheirabadi, Masoud (2000), *Iranian Cities: Formation and Development*, Syracuse University Press, USA.
31. Lang, Jon (1995), *The Human Dimension of Urban Design*, *Urban Futures*, No. 17, pp 25-36.
32. Masoudi Nejad, Reza (2013), *The Discursive Manifestation of Past and Present through the Spatial Organization of the Ashura Procession*, in *Space and Culture*, DOI: 10.1177/1206331213475747.
33. Rossi, Aldo (1982), *The Architecture of the city*, Cambridge, the MIT Press, Cambridge, Massachusetts and London, England.
34. Tange, Kenzo (1970), *Architecture and Urban Design*, Verlag Fur Architektur Artemis Zurich.
35. www.haz.ir.



# An Analysis of the Role of the Great Hosseinieh in the Formation of the Secondary Structure of Zanjan in the Qajar Era and the Its Persistence Causes

**Ahad Nejadebrahimi** \*(Corresponding Author)

Associate professor in Department of Architecture and Urbanism, faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art university, Tabriz, Iran.

\* *ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir*

**Mohammadjavad Heydari**

PHD Student in Islamic Urbanism, faculty of Architecture and Urbanism, Islamic Art university of Tabriz, Tabriz, Iran.

## Abstract:

The government found more religious convergence with the people in the Qajar era. Because, in addition to the people, the government was also active in constructing religious places, such as Dolat (government) and Nasiriyah Tekyeh in Tehran and Zanjan city. This factor not only increased the influence of the Shi'i religion and publicized its religious rituals, but, in addition to influencing the physical organization of the city, it paved the way for another structure too. This structure was not defined by physical element such as the main structure. Contrary to the main structure, this structure was a symbolic and semantic that arose as a result of social action. This structure was a result of citizen's image of mind of the urban spatial sense and identity that the social construction (religious behavior of citizens) has played a major role in its shaping and, contrary to the main structure of the city, has undergone a change. The purpose of this research is to explain the role and influence of the Hosseinieh Azam (great Hosseinieh) in the formation of the secondary structure of Zanjan in the Qajar era. The research method is historical, descriptive and analytical. Documentary and field study method has been used in gathering the required information. Results of this research showed that the construction or development of the great Hosseinieh and the formation of its mourning group in the Qajar era have played an important role in creating the secondary structure of the city of Zanjan. A structure that has persistence to this time.

**Keywords:** secondary structure, great Hosseinieh, Zanjan city, Great Hosseinieh.